

عُيُونُ أَحِبَّاءِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ

ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی
معروف به شیخ صدوق رحمته الله

ترجمه:

برکات مشهد مقدس رضوی

اثر محمد صالح روغنی قزوینی رحمته الله

(م ۱۱۱۶ق)

جلد اول

سرشناسه	: ابن بابویه، محمد بن علی ۳۱۱ - ۳۸۱ ق.
عنوان قراردادی	: عیون اخبار الرضا علیه السلام - فارسی - عربی.
عنوان و نام پدیدآور	: عیون اخبار الرضا علیه السلام / ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق: ترجمه محمد صالح روغنی قزوینی.
مشخصات نشر	: قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۹.
شابک ج ۱	: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۹۷۳ - ۲۸۲ - ۴
شابک دوره	: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۹۷۳ - ۲۸۴ - ۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
یادداشت	: فارسی - عربی.
موضوع	: علی بن موسی علیه السلام، امام هشتم، ۲۰۳ - ۲۱۵ ق. - احادیث.
موضوع	: احادیث شیعه - قرن ۴ ق.
شناسه افزوده	: قزوینی، محمد صالح بن محمد باقر، قرن ۱۱ ق.
شناسه افزوده	: مسجد جمکران (قم).
رده‌بندی کنگره	: الف ۱۳۸۹ ع ۹۰۴۱ الف ۱۲۹/ BP
رده‌بندی دیوینی	: ۲۹۷/۲۱۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۱۰۶۱۸۸



عیون اخبار الرضا علیه السلام (جلد ۱)

- ◀ مؤلف: شیخ صدوق علیه السلام
- ◀ ویراستار: احمد سعیدی
- ◀ حروف‌نگار و صفحه‌آرا: امیر سعید سعیدی
- ◀ امور چاپ: اصغر بخشایش
- ◀ ناشر: انتشارات مسجد مقدس جمکران
- ◀ چاپخانه و شمارگان: وفا / ۲۰۰۰ دوره
- ◀ نوبت و تاریخ چاپ: اول / زمستان ۱۳۸۹
- ◀ قیمت دوره: ۱۶۰۰۰ تومان
- ◀ شابک جلد اول: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۹۷۳ - ۲۸۲ - ۴
- ◀ شابک دوره: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۹۷۳ - ۲۸۴ - ۸
- ◀ مرکز پخش: انتشارات مسجد مقدس جمکران
- ◀ تلفن و نمابر: ۰۲۵۱ - ۷۲۵۳۳۴۰، ۷۲۵۳۷۰۰
- ◀ قم - صندوق پستی: ۶۱۷

مقدمه ناشر

بسم الله الرحمن الرحيم

از لطف و محبت خداوند تبارک و تعالی به دور است که زمین خویش را خالی از حجت بگذارد و آن گاه از بندگان حساب بخواهد. حجج الهی گاهی ظاهر و محل رفت و آمد و آموزش و یادگیری دین هستند و گاهی غایب. واضح است که در هنگام ظهور حجج الهی و دسترسی آسان خلائق به ایشان، مسؤولیت بندگان خدا نیز سنگین تر و امتحان الهی نیز برای ایشان سخت تر است و هنگام حضور در محضر الهی و سؤال و جواب در مورد اعمال نیز عذری پذیرفته نیست. لیکن هنگام غیبت که وظیفه آموزش دین خدا بر عهده دانشمندان زمان خود است، چون دسترسی به امام میسر نیست، لذا امتحان الهی نیز آسان تر و سؤال و جواب در آستانه الهی نیز آسان تر خواهد بود، گرچه فتنه ها بیشتر و جولان شیطان رحیم نیز پر دامنه تر خواهد بود و احتمال افتادن به خطا نیز بسیار بیشتر است.

اما حجت خدا بایستی چگونه شخصی باشد. در همه اوقات و از منہ خداوند بهترین خلق خویش را به عنوان حجت انتخاب کرده است. شاید بهترین به معنی عاقل ترین، صبورترین و مسلط ترین افراد به نفس خویش منظور باشد. البته اگر عقل را به معنای «ما عُبد به الرحمن و اکتسب به الجنان» فرض کنیم، نه درایتی که با آن کار دنیا پرداخته و آخرت از کار انداخته می شود. خداوند در قرآن کریم انبیا را به نام ذکر فرموده و از ایشان با صفاتی برتر از دیگران یاد کرده است.^۱

۱. برای مثال قرآن کریم درباره ابراهیم میفرماید: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ» سوره هود، آیه ۷۵

در مورد رسول برگزیده خدا، حضرت محمد صلی الله علیه و آله به جز آیات الهی، روایاتی که از خَلْق و خُلُق آن جناب وارد شده، گویای برتری و بهتری او نسبت به سایر خلائق می‌باشد. در همین کتاب شریف در باب اخلاق آن حضرت آمده است: ایشان، همیشه خوش‌رو، ملایم و خوش‌برخورد بودند. هیچ‌گاه سخت‌گیر و خشن و بدزبان نبودند. هیچ امیدواری از نزد ایشان ناامید باز نمی‌گشت؛ یا حاجت او روا می‌کردند و یا با کلامی آرام او را راضی باز می‌گرداندند....

شاید پس از خواندن آیات و روایاتی که درباره صفات حضرت آمده است، جایز باشد که بگوییم: اللهم انا نشکوا اليک فقد نبینا!

در مورد ائمه نیز در کتاب خدا، گرچه نه به تصریح نام، بلکه در پرده‌های زیبا تشبیه و استعاره به فضل و برتری ایشان اشاره شده است. چنان‌که در سوره نور آیه ۳۵، خداوند عز و جل در توصیف خویش می‌فرماید: «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارُ نُورٍ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ». در تفسیر قمی در ذیل این آیه شریفه از امام صادق علیه السلام آمده است که مشکات حضرت فاطمه، مصباح امام حسن و زجاجه امام حسین است و نور علی نور، امامی بعد از امام دیگر است.

درباره حضرت موسی: «يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ.....» سوره اعراف، آیه ۱۴۴؛ یا آیه «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا» سوره مریم، آیه ۵۱؛ همچنین درباره حضرت عیسی: «إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ» سوره آل عمران، آیه ۴۵. درباره حضرت نوح: «ذُرِّيَّةً مِنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا» سوره اسراء آیه ۳. پیامبر بزرگ خدا حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله: «إِنَّكَ لَعَلَى هُدًى مُسْتَقِيمٍ» سوره قلم، آیه ۴. یا آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» سوره احزاب، آیه ۲۱.

فارغ از همه این گفتارها، می‌توان میزان برتری عقول حضرات ائمه معصومین را از احادیثی که از ایشان برجای مانده، تشخیص داد. نهج البلاغه حضرت امیر علیه السلام به حق، اوج و اعتلای فرهیختگی و عقل و درک والای آن جناب را چه در زمینه دین و چه در زمینه دنیا نشان می‌دهد و صحیفه سجادیه نشان از عظمت درک و روح حضرت سیدالسادین و تبلور عقل عبادی آن جناب است و در همین راستا، کتاب عیون اخبار الرضا تبلور تیزهوشی و ذکاوت حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء است. این ذکاوت فوق العاده را می‌توان در مجالس بحثی که میان حضرت و دیگران، چه علمای ادیان و مذاهب دیگر و چه جلساتی که با مأمون ملعون و دیگران داشته، به وفور مشاهده کرد و با خواندن این کتاب و نیز همانند آن می‌توان فهمید که «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ» خدا نیک می‌داند، رسالت خویش را بایستی به کجا بسپارد.

هنگامی که بحث میان حضرت و عدا ی دیگر ادیان مطرح است، چنان ایشان را به گرداب می‌کشد که همگی اعتراف به جهل خویش کرده، زبان در کام می‌کشند. این نکته زمانی بیشتر قابل توجه است که بدانیم، مأمون و ارث امپراطوری هارون ملعون است و با قدرت فوق العاده خویش، برترین علمای ادیان را احتمالا با هزینه‌های فراوان و پذیرایی‌های کامل در یک کنفرانس بزرگ جهانی گردآوری کرده بوده است، شاید بتواند حضرتش را شرمنده سازد! و حاشا که خاک کجا و عالم پاک کجا؟ تراب کجا و زب الارباب کجا؟ «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ».

این کتاب شریف برای همه خواندنی است. خیلی از سؤالات بی‌پاسخ در آن است و انصافاً که در حق آن بی‌انصافی شده و حق این کتاب شریف، چونان حق صاحب حقیقی آن، امام رئوف حضرت علی بن موسی الرضا صلوات الله و سلامه علیه شناخته نشده است. روی هر قسمت از کتاب که دست بگذارید، عجیب و خواندنی است. شرح توحید حضرت، یگانه است و وصف رسول اکرم، اثری جاودانه.

یکی از نکات جالب و حایز توجه در این کتاب، رویکردی است که حضرت در پاسخ به سؤالاتی که در مورد تضاد بعضی از احادیث ایجاد شده است، اتخاذ می‌کنند. در چند

مورد حضرت احادیث امام صادق علیه السلام را چنان زیبا تاویل می‌برد که عقل در حیرت می‌ماند که امام صادق علیه السلام از این حدیث چه نکته قابل توجهی را اراده فرموده بوده و دیگران از آن غافل بودند. این نگاه بایستی برای علمای حدیث بسیار آموزنده باشد. البته در این کتاب شریف، نکاتی نیز هست که برای علم امروز و تفکر امروزی ما قابل قبول نیست، لیکن امامی دیگر بایستی تا این نکات را آن چنان که حضرت رضا علیه السلام، احادیث جدش امام صادق را تاویل می‌برد، تفسیر و توضیح بدهد، ان شاء الله.

مترجم محترم کتاب، مرحوم محمد صالح فرزند محمد باقر روغنی قزوینی از معاصرین علامه مرحوم شیخ حر عاملی است که مرحوم شیخ در امل‌الامل شرح ایشان را چنین آورده است:

«مولانا محمد صالح بن محمد باقر قزوینی، معروف به روغنی؛ ایشان عالم فاضل کامل و صاحب کتاب و رسایی است از جمله: ترجمه عیون اخبار الرضا (کتاب حاضر)، ترجمه نهج البلاغه، ترجمه صحیفه سجادیه و مقامات، شرح فارسی دعای سمات. نیز رساله‌ای درباره خوردن آدم از درخت ممنوعه و نیز شرح بعضی از اشعار مثنوی.»

در مستدرکات اعیان الشیعه، جلد سوم، صفحه ۲۳ پس از ذکر مطلب مرحوم شیخ در امل‌الامل فهرستی کامل تر از آثار او به دست می‌دهد:

الامامه، ترجمه توحید مفضل، ترجمه محاضرات الراغب، ترجمه عهد نامه مالک اشتر ترجمه و شرح صحیفه سجادیه به فارسی، شرح صحیفه سجادیه به عربی (در این کتاب تصریح کرده که او از شاگردان مرحوم میرباقر داماد) بوده است. ترجمه و شرح نهج البلاغه که در سال ۱۳۲۱ به تحقیق میرزا علی عماد لشکر آشتیانی به چاپ رسیده و به اشتباه نام مؤلف آن محمد صالح برغانی ذکر شده است و یکی از بهترین شروح نهج البلاغه به فارسی است. شرح دعای سمات، مقامات، رساله فی پاسخ مرد مرتد، منشور ادب‌الهی و دستور العمل کاراگاهی، شرح فارسی گسترده‌ای بر وصیتنامه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام به فرزند بزرگوارش امام حسن علیه السلام و البته مرحوم

آقا بزرگ در کتاب ماندگار خویش الذریعه از رساله‌ای به نام محاکمه میان فقر و غنائیز در جمله تألیفات ایشان نام برده است.

مرحوم محمد صالح روغنی قزوینی متولد قزوین است و مراحل تحصیل ابتدایی را از علمای آن سامان فراگرفت. سپس به اصفهان رفته و از محضر مرحوم میرداماد بهره برد. سپس به قزوین بازگشت و پس از چندی عزم دیار خراسان کرده در سال ۱۰۷۵ هجری به حریم حضرت رضا علیه السلام مشرف شد و چنانچه در آخر بعضی از کتاب‌هایش ذکر کرده، با خدا عهد کرد که تا پایان عمر همان جا بماند و تا سال ۱۱۱۶ هجری که درگذشت در همان دیار ماند و در همان جا نیز به خاک سپرده شد.

او از بزرگان علمای خراسان محسوب و مورد توجه عام و خاص بود. قطعه‌هایی نیز از اشعار سروده طبع ایشان را که به فقیر تخلص می‌جسته‌اند در بعضی از آثار ایشان می‌توان یافت. بیشتر اهتمام وی در ترجمه بوده است. ترجمه عیون اخبار الرضا علیه السلام را ایشان به عنوان برکات مشهد مقدس رضوی در سال ۱۰۷۵ قمری، یعنی در اولین سال تشرف به آستان امام رضا علیه السلام ترجمه نموده است.

ترجمه حاضر به علت نوع صفحه آرایی و این که ترجمه بایستی رو به روی متن قرار می‌گرفت، ویرایش و تلخیص شده و شروح مترجم حذف گردیده است.

دو نسخه خطی ملاک کار ما قرار گرفت. متأسفانه هر دو نسخه ناقص و در بعضی موارد به شدت ناخوانا بود. لذا بعضی از صفحات و ابواب که یا ترجمه نداشت و یا این که در هر دو نسخه قابل خواندن نبود، ترجمه شد. اگر کاستی وجود دارد، که یقیناً وجود دارد و خود بدان معترفیم، از ماست و اگر حسنی مشاهده می‌کنید از برکت آقا علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية و الثناء می‌باشد.

در پایان از عزیزان همکار و محققین گرانقدر که در به ثمر رسیدن این اثر تلاش وافری داشته‌اند؛ به ویژه برادران صادق بزرگ بفرویی، سید حمید میرعباسی، احمد سعیدی، رضا دیلمی، امیر سعید سعیدی و خواهر محترمه بزرگ تقدیر و تشکر داریم و ان شاء الله در پناه حضرت حق موفق و مؤید باشند.

در عنوان این خواهم بشنود و معجم و معجم و اینها شمرده باد **باب** در اینکه چه سبب نامیده شده علی بن موسی الرضا
شیخ ما با سنا و خرد از احمد بن محمد بن ابی نصری بن زینبی روایت میکند که ما گفت گفتیم ما با امام محمد تقی ع تو ای ائمه انبیا شما را محمدا
این است که پدر من با ما مومن رضا نامیده و فنی که بر این عهد و رضا و فرموده و فرموده گفتند بخدا بلکه خدا را تبارک و تعالی
او را رضا نامید برای اینکه موصی خدا بود در اسمان و موصی رسول مبرور و از آنرا بوده و زمین را میگوید گفتیم نه هر که
از پدران تو که شده است موصی رسول و از آنرا بوده و زمین را میگوید گفتیم نه هر که
شدن خود بسبب آنکه مخالفان را در ارضی شد و در هیچ موافقان و دوستان او این حال سازید و این را بر او بدین سبب
ان بیا ان ایشان مخلف با این نام شد و از سلیمان حضرت موصی روایت میکند که موسی بن جعفر فرزند خود را علی را و رضا
می نامید میگفت فرزندم رضا را بخوانید و گفتیم ما رضا و رضا با من چنین گفت و هرگاه با او طالب میکرد میگفت با ابوالحسن
باب اخباری که صادر شده در باب مآثر و انصاف و با سنا و خرد از احمد بن محمد بن ابی نصری روایت میکند که گفت
ما در ابوالحسن و رضا نام و در کتب است و بگفتیم بران قرار گرفت اسمش رفتی که ما گفت داشتند ابوالحسن موسی و از خود بر
محمد کنیزی روایت میکند که گفت شنیدم از ابوالحسن علی بن موسی میگفت و ندیدم کسی را عارف تر با حلال ائمه و با اخبار و
سنا که ایشان میگفت حمده المصفاة ما در ابوالحسن موسی بن جعفر است و از اشراف عجم بوده و کنیزی مولد زید یعنی در شب
مغرب ظاهر بود و مستحبه بگفتیم او را و از خود بران قرار گرفت و در غل و دین و تعظیم و بایش حمده المصفاة تا اینکه در پیش او
نیز نشین از آنوقت که ما مال او شده بود و از تعظیم و احلال او پس گفت حمده به پیش موسی ای موسی من نگفتم کنیزی ندیدم
از و به کنیزی و نشین نمیکند که خدا را عزوجل بیا که کند غسل او را اگر اهل اسلمی باشد او را بنویسیدم نور او صفت میکنم
به بیکویی با او و فنی که از انید و رضا نام حمده او را ظاهر نام نهاد و انصاف و در سبب و در غفلت تمام بود و گفت
ما درش و اطاعت کنید بدو را گفتند حکم شریف است که شد گفت نه دروغ میگوید بخدا شکر من شده و لیکن مرا در دست او نهاد
و شیخ و آن و سر دم شده و از آن روزی که او را از انید ام و بعد از آن معصم مسند انوار شامه میشود و دانیکه اسم او نگفتم بود
علی بن موسی از پدرش روایت میکند که گفت و فنی که از خود حمده ما در موسی بن جعفر ما در رضا حمده را ذکر کرد حمده اینکه
در خواب دید رسول خدا را میگفت با وای حمده بختش خنده را به یسوی موسی که عنقریب از او مژده میشود به توین اهل
زمین پس بخشید موسی و فنی که از انید از وای او رضا را او را ظاهر نام نهاد و او را حمده اسم بود بخنده و از وی و کن
و سنان و نگفتم و آنرا اسم او بود علی بن موسی میگوید از پدرم شنیدم میگفت خنده میگوید و فنی که حمده او را خند و آن
بن محمد روایت میکند که او گفت ابوالحسن ع با من گفت یا امیرالمؤمنین که کسی از شما را اهل مغرب امد باشد نگفتم نه گفت ای موسی
امد یا با اهلین سوار شد و من با و سوار شدم تا رسیدیم به مدینه و او را اهل مغرب بود و کنیزی داشت گفت انحضرت
ایشان از این عزم کنیزی عرض نمود و در هر یک از ایشان انحضرت میفرمود مرا حاجت باین نیست بعد از آن گفت که

صفحات ابتدایی نسخه خطی اول

مقدمه

[illegible]

فهرست ابواب جلد اول

مقدمه ناشر	۵
باب (۱): مسأ شدن حضرت به «رضا»	۱۹
باب (۲): مادر امام رضا علیه السلام	۲۲
باب (۳): ولادت حضرت علیه السلام	۲۹
باب (۴): تصریح پدر حضرت بر امامتش	۳۳
باب (۵): وصیت امام کاظم علیه السلام	۵۴
باب (۶): تصریحات بر امامت حضرت	۶۴
باب (۷): اخبار امام کاظم علیه السلام	۱۰۸
باب (۸): درگذشت پدر حضرت	۱۴۵
باب (۹): کشته شدن به دست هارون	۱۶۴
باب (۱۰): علت واقعی شدن واقفیان	۱۷۰
باب (۱۱): احادیث توحید	۱۷۳
باب (۱۲): جلسات ایشان با دین‌های مختلف	۲۳۸
باب (۱۳): بحث حضرت با سلیمان مروزی	۲۷۴
باب (۱۴): جلسه‌ای درباره عصمت انبیاء	۲۹۱
باب (۱۵): جلسه دیگری درباره عصمت	۲۹۷
باب (۱۶): شرح اصحاب رس	۳۱۲
باب (۱۷): تفسیر ذبح عظیم	۳۱۹
باب (۱۸): شرح حدیث «انا ابن الذبیحین»	۳۲۱
باب (۱۹): نشانه‌های امامت	۳۲۶
باب (۲۰): توصیف امامت و امام	۳۳۱
باب (۲۱): ازدواج حضرت زهرا علیه السلام	۳۴۱
باب (۲۲): ایمان چیست؟	۳۴۶
باب (۲۳): تفاوت میان عترت و امت	۳۵۱
باب (۲۴): مرد شامی و امیرالمؤمنین	۳۶۹
باب (۲۵): روایات درباره زید	۳۸۲
باب (۲۶): روایات درباره فنون مختلف	۳۹۰
باب (۲۷): روایات درباره هاروت و ماروت	۴۱۲
باب (۲۸): احادیث گوناگون	۴۲۰
باب (۲۹): وصف پیامبر	۴۹۵
باب (۳۰): روایات دیگر	۵۰۲
فهرست ابواب جلد دوم	
باب (۳۱): مجموعه اخبار	۱
باب (۳۲): در علت چیزها	۱۲۳
باب (۳۳): در علت چیزها	۱۵۱
باب (۳۴): در علت چیزها	۱۷۱
باب (۳۵): اسلام خالص و پایه‌های دین	۲۱۴
باب (۳۶): ورود حضرت به نیشابور	۲۳۸
باب (۳۷): در نزدیکی نیشابور	۲۴۱
باب (۳۸): خبری نادر از حضرت	۲۴۶
باب (۳۹): خروج حضرت از نیشابور	۲۴۷
باب (۴۰): سبب قبولی ولایت عهد	۲۵۲
باب (۴۱): دعای باران حضرت	۳۱۰
باب (۴۲): توهین مأمون به حضرت	۳۱۹
باب (۴۳): انشاد شعر از حضرت	۳۳۳
باب (۴۴): در اخلاق کریمه حضرت	۳۳۳
باب (۴۵): مجادله مأمون با مخالفین	۳۴۶
باب (۴۶): دلالت بر ائمه و رد بر غلاة	۳۷۷
باب (۴۷): نشانه‌های امامت حضرت	۳۸۶
باب (۴۸): نفرین حضرت بر بکار	۴۲۷
باب (۴۹): خبر آن حضرت از غیب	۴۲۹
باب (۵۰): نفرین حضرت بر آل بر مک	۴۳۰
باب (۵۱): خبر حضرت از محل دفن خویش	۴۳۳
باب (۵۲): خبر حضرت از نحوه شهادتش	۴۳۴
باب (۵۳): در فراست حضرت رضا علیه السلام	۴۳۶
باب (۵۴): علم حضرت به لغات مختلف	۴۳۷
باب (۵۵): پاسخ سؤالات حسن و شاء	۴۴۰
باب (۵۶): پاسخ سؤالات ابی قره	۴۴۳
باب (۵۷): مکالمه با یحیی بن ضحاک	۴۴۵
باب (۵۸): مکالمه حضرت با برادرش زید	۴۴۸
باب (۵۹): اشهاد علی بن موسی	۴۵۹
باب (۶۰): تصریح امام علیه السلام بر پسر خود	۴۶۵
باب (۶۱): وفات امام رضا علیه السلام با زهر	۴۶۶
باب (۶۲): خبر دیگر در وفات امام (ع)	۴۶۸
باب (۶۳): آنچه اباصلت حدیث کرد	۴۷۱
باب (۶۴): حدیث هرمه بن اعین	۴۷۹
باب (۶۵): مرثیه‌هایی درباره حضرت	۴۸۹
باب (۶۶): ثواب زیارت امام علیه السلام	۴۹۸
باب (۶۷): ثواب زیارت حضرت معصومه علیه السلام	۵۲۵
باب (۶۸): کیفیت زیارت امام رضا علیه السلام	۵۲۶
باب (۶۹): برکت مشهد الرضا	۵۴۹